



حدیث «اثنا عشر» در اندیشه کلامی ابن شهر آشوب در «المناقب»

حجت الاسلام دکتر عزالدین رضائزاد

عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه - قم

و ریس پژوهشکده علوم اسلامی

چکیده

مهم ترین اصل اعتقادی که بیشترین اختلاف در آن پدید آمد، امامت و مسأله‌ی جانشینی پیامبر اسلام است. شیعه امامیه (اثنا عشریه) برای اثبات امامت دوازده پیشوای معصوم ادله نقلی و عقلی اقامه می‌کند که یکی از دلایل نقلی، حدیث «اثنا عشر» است که از طرق گوناگون در مجامع روایی فریقین آمده است. علامه ابن شهر آشوب با عنایت ویژه به این حدیث به پژوهش‌های قابل تحسین دست زد و براساس آن در بخش‌های گوناگون کتاب ارزشمند المناقب به اثبات امامت ائمه اثنا عشر پرداخته است. وی با دسته‌بندی روایات به بازگویی پیشینه‌ی محتوایی حدیث اثنا عشر به پیش از خلقت آدم، زمان پیامبران آسمانی، پس از ظهور اسلام و بالاخره اسناد روایی فریقین پرداخته است. این نوشتار در تلاش است با تکیه بر پژوهش انجام گرفته در کتاب «المناقب»، حدیث «اثنا عشر» را در اندیشه‌ی کلامی ابن شهر آشوب گزارش کند. کلیدواژه: ابن شهر آشوب، امامت، حدیث اثنا عشر، امام، خلیفه، شیعه اثنا عشری.

«امامت» یکی از موضوعات مهم در بخش مباحث اعتقادی است. تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان کم‌تر به جنبه‌ی کلامی و اعتقادی آن پرداخته‌اند. از سویی، شیعه امامیه از جمله دلایل نقلی بر اثبات امامت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به «حدیث اثنا عشر» تمسک می‌کند. این نوشتار کوتاه، درصدد بیان دیدگاه علامه ابن شهر آشوب نسبت به حدیث «اثنا عشر» است.

کتاب «مناقب آل ابیطالب» پس از آوردن مطالب مبسوط در موضوع نبوت و فضایل و ویژگی‌های پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حدود یک چهارم از مجموعه‌ی چهار جلد آن در فصلی جداگانه با عنوان «باب الامامة» اختصاص داده شد.

با توجه به رویکرد کتاب که تأکید بر مناقب و فضائل است، موضوعاتی که مرتبط با آن است هم آورده شد. اندیشه‌های کلامی ابن شهر آشوب در موضوع امامت امامان اثنا عشر علیهم‌السلام در جای جای «مناقب» آمده است. حساسیت و تأکید وی بر این موضوع موجب گردیده علاوه بر مطالب آورده شده در باب الامامة در جلد یکم مناقب در جلدهای دیگر کتاب درباره‌ی هر امام معصومی به ادله‌ی امامت پرداخته به تفصیل (متناسب با کتاب) یا به اشاره، استدلالی را ارائه دهد.

از آن‌جاکه مباحث امامت اعم از امامت عامه و خاصه، به طور گسترده در کتاب‌های کلامی طرح گردیده ورود به آن و ادای حق مطلب در هر موضوعی از آن با یک مقاله محدود میسر نخواهد بود. از این‌رو ناچاریم از پرداختن به مباحث کلی و تفصیلی پرهیز کرده یکی از موضوعات را در حد یک مقاله متناسب با کنگره علامه ابن شهر آشوب ساروی مازندرانی رحمه‌الله گزارش و تحلیل کنیم.

عمده‌ترین موضوعاتی که ابن شهر آشوب در «باب الامامة» آورده به شرح زیر است.

۱. شرایط امامت (المناقب ۱۴۱۲، ۱: ۳۰۶-۳۰۳)

۲. عصمت امام (همان: ۳۰۹-۳۰۶)





۳. نصوص در امامت (همان: ۳۱۲-۳۰۹)
 ۴. صفات و ویژگی امامان علیهم‌السلام (همان: ۳۱۵-۳۱۲)
 ۵. مفسدات (و موانع) امامت (همان: ۳۲۱-۳۱۵)
 ۶. وراثت در امامت (همان: ۳۲۳-۳۲۱)
 ۷. ردیه و نقد بر غالیان (همان: ۳۲۶-۳۲۳)
 ۸. نقد بر «سبعیه» (اسماعیلیه) (همان: ۳۲۸-۳۲۶)
 ۹. نقد بر خوارج (همان: ۳۳۰-۳۲۸)
 ۱۰. چند پرسش و پاسخ (همان: ۳۳۷-۳۳۰)
- در ادامه با عنوان «باب فی امامة الائمة الاثني عشر علیهم‌السلام» هشت فصل با عناوین زیر آورده شد:
۱. خطبه [هایی در امامت امامان اثنا عشر علیهم‌السلام] (همان: ۱: ۳۴۱-۳۳۸)
 ۲. آیات قرآنی نازل شده در حق امامان علیهم‌السلام (همان: ۳۴۸-۳۴۱)
 ۳. نصوص رسیده نسبت به امامان بزرگوار علیهم‌السلام (همان: ۳۵۱-۳۴۸)
 ۴. روایات منقول از طریق عامه (اهل سنت) (همان: ۳۵۶-۳۵۱)
 ۵. روایات رسیده از طریق خاصه (شیعه) (همان: ۳۶۲-۳۵۶)
 ۶. نکته‌ها و اشاره‌ها [ی لطیف] (همان: ۳۷۴-۳۶۳)
 ۷. الفاظ، القاب و واژه‌های به کار گرفته شده درباره‌ی امامان علیهم‌السلام (همان: ۳۷۶-۳۷۴)
 ۸. سروده‌های شعری درباره‌ی ائمه علیهم‌السلام (همان: ۳۷۹-۳۹۶)
- بدیهی است که شرح و تبیین عناوین هجده‌گانه در دو باب مذکور جلد یکم مناقب، مستلزم تدوین چند جلد کتاب خواهد بود و مسلماً نمی‌توان به یک یا چند مقاله کوتاه بسنده کرد.



آنچه در این نوشتار خواهد آمد، گزارش و تحلیلی از امامت امامان «اثنا عشر» علیهم السلام در کتاب مناقب است.

مؤلف گرانقدر در پرداختن به موضوع به مطالبی که در ذیل «باب فی امامة الائمة الاثنی عشر علیهم السلام» آورده اکتفا نکرده است بلکه در فصول مختلف کتاب با برشمردن مناقب هریک از امامان علیهم السلام به حدیث اثنا عشر هم پرداخته و اشارتی به آن داشته است. از این رو، هدف این نوشتار ارائه تحلیلی از مجموع داده‌های کتاب «مناقب آل ابیطالب» در موضوع حدیث اثنا عشر خواهد بود.

اهمیت و ضرورت

بعد از نبوت هر نبی، مسأله وصایت و جانشینی پس از وی، همواره جزو موضوعات اصلی در میان پیروانش بوده است. اوصیاء انبیای الهی گاهی مقام نبوت را داشته و گاهی هم از این منزلت برخوردار نبوده‌اند با بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، موضوع ارسال رسل و انبیا ختم گردید و پس از آن حضرت، جانشینان و امامانی معرفی شده‌اند که بدون مقام نبوت، راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تداوم بخشند. از سوی دیگر، موضوع «اثنا عشر خلیفه» یا «اثنا عشر امیراً» و مانند آن در روایات چندی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مجامع روایی فریقین نقل شده است، با این وصف، پس از رحلت آن حضرت، مهم‌ترین اختلاف میان امت اسلامی، اختلاف در موضوع خلافت و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است. استناد عده‌ای از صحابه به «نص» و «نصب» و روی آوردن عده‌ای دیگر به بیعت و شورا افزون بر ایجاد اختلاف و درگیری، موجب گردید مبانی فکری و کلامی امت اسلامی متفاوت و رویکردهای اعتقادی و دینی مسلمانان در برابر یکدیگر قرار گیرد و در روایات مسلمانان به دو گروه عمده و اصلی تقسیم شوند.



یکی از راه‌های آشتی و سازش میان مسلمانان، برگشت به متون دینی و شواهد تاریخی است تا براساس آن، بخش قابل توجهی از مشکلات به وجود آمده حل گردد و امت اسلامی با بازگشت به سنت واقعی پیامبر ﷺ و تمسک به «ثقلین»، کژی‌های اندیشه خویش را اصلاح کرده از پیروان سنت راستین باشند.

از سوی دیگر، علاوه بر وجود روایات «اثنا عشر»، اختلاف نظر پیروان نص در امامت و حلّ انشعابات به وجود آمده میان آنان، اقتضا دارد که به طور ویژه این موضوع تحلیل و بررسی گردد تا زمینه‌های هدایت گروه‌های دیگری که در میانه‌ی راه، از «امامان اثنا عشر» جداگشته‌اند، فراهم گردد. البته توجه علمی به این مسأله و اطلاع‌رسانی دقیق، آثار ارزشمندی داشته که در طول تاریخ شاهد هدایت قشرهای گوناگون از پیروان مذاهب اسلامی و مباحث اندیشه‌های کلامی بوده‌ایم که با شور و شغف، پیروی امامان اثنا عشر علیهم‌السلام را پذیرفته‌اند.

۱. حدیث اثنا عشر و نقد فرقه «سبعیه»

در قرن دوم، تعداد اندکی از شیعیان، پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام از پذیرش امامت امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام امتناع ورزیده امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه‌السلام را مطرح کرده‌اند. این گروه که بعدها به نام «اسماعیلیه» خوانده شده‌اند، علاوه بر این نام، القاب دیگری نیز دارند. یکی از آن‌ها، لقب «سبعیه» است. علت نامیده شدن آنان به این نام قایل بودن که به امامان هفت‌گانه است و این که رهبری الهی را بر پایه حجت‌های هفت‌گانه تفسیر می‌کنند.

علامه ابن شهر آشوب (المناقب، ۱۴۱۲هـ: ۳۲۶) با عنوان «الرّد علی السبعیه» به اختلاف امت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ پرداخته یادآور شد که امت در مسأله‌ی امامت به دو گروه اهل نصّ و اهل بیعت و انتخاب تقسیم شده‌اند. قایلان به نص از طرق مخالف و مؤالف (سنی و شیعیه) حدیث «الأئمه اثنا



«عشر» را نقل کرده‌اند در این میان فرقه «سبعیه» پس از امام صادق (ع) به وجود آمدند و ادعای هفت‌گانه بودن امامان را مطرح کردند. این ادعا با آنچه که همه‌ی امت اسلامی (با نقل حدیث اثنا عشر) به آن قایل بودند، مخالف بوده است. وی سپس به نصّ امام صادق (ع) نسبت به امامت فرزندش حضرت موسی الکاظم (ع) پرداخته است و داستان تشییع جنازه حضرت اسماعیل و رفتار ویژه‌ی آن حضرت در بازشناسی مرگ اسماعیل و نفی شایعه امامت وی و معرفی فرزندش حضرت موسی (ع) را نقل کرده این جمله را آورده که حضرت امام صادق (ع) پس از شاهد گرفتن خدا و صحابه بر مردن فرزندش اسماعیل، دست فرزندش حضرت موسی الکاظم (ع) را گرفته خطاب به اصحابش فرمود: «هو الحق و الحق معه و منه ...» (همان: ۳۲۷) موسی [امام] بر حق است و حق با او و از اوست ...

۲. بیان مصادیق ائمه اثنا عشر

نقل حدیث «اثنا عشر» در کتب روایی فریقین، خبر از دوازده خلیفه مورد پذیرش راویان حدیث و مسلمانان است، چه این‌که حدیث مذکور از پیامبر اکرم (ص) در کتب صحاح و مسانید نقل شده است و اصل صدور آن جای تردید نیست. آنچه که اهمیت دارد، تطبیق مصادیق ائمه اثنا عشر است. با کمال تأسف برخی نویسندگان برای تشخیص مصادیق آن، راه درستی را نپیموده به توجیهات غیرقابل‌پذیرش دست زدند.

شیعه اثنا عشریه در سایه‌ی روایات منقول از پیامبر اسلام (ص) توسط برخی صحابه و تابعین و نیز احادیث نقل شده از پیشوایان معصوم (ع) و نام‌های مبارک دوازده امام و خلفای راستین پیامبر (ص) را در طول تاریخ حفظ کرده به آنان تمسک جسته‌اند.

ابن شهر آشوب با نقل چند روایت به معرفی ائمه اثناعشر پرداخته است تا تاریکی‌های ناشی از غفلت، جهالت یا تغافل و تجاهل برخی نویسندگان را بزدايد و آنان که بدون پیش فرض در صدد راه یابی به عرصه حقیقت اند، به خوبی آن را دریابند. ابن شهر آشوب برای اثبات امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام بر مراجعه و تمسک «حدیث اثناعشر» تأکید و اصرار می ورزد. گویا نزد وی گره مشکل اعتقادی در این موضوع از طریق حدیث اثناعشر و مصادیق آن بازمی گردد.

وی پس از نقل برخی روایات در تفسیر بعضی آیات قرآن که با اشاره یا تأویل بر ائمه اثناعشر دلالت دارند (المناقب، همان: ۳۴۳-۳۴۱) در بخش روایی، ابتدا به ذکر حدیث جابر انصاری که جابر جعفی آن را در تفسیرش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده می پردازد. در این نقل، جابر انصاری می گوید که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از تفسیر آیه ۳۳ سوره ی محمد «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» پرسیدم که ما خدا و پیامبرش را شناختیم، لیکن «اولی الامر» چه کسانی اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جابر، آنان جانشینان من اند و پیشوایان مسلمانان بعد از من. نفر اول آنان علی بن ابیطالب سپس حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی که در تورات به «باقر» شناخته شده سپس موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی هستند پس از آنان، هم نام و هم کنیه ام است که حجت خدا در زمین و آخرین حجت خدا در میان بندگان پسر حسین بن علی است که خداوند مشرق و مغرب کره زمین را به دست او فتح می کند او همان کسی است که از شیعیان غایب است [و در آن زمان] جز کسانی که خداوند قلبشان را به ایمان آزموده به امامت وی اعتقاد نخواهند داشت.» (همان: ۳۴۴)

ابن شهر آشوب در ادامه مباحث با آوردن شعری از «العونی» در تصریح بر دوازده امام، روایت دیگری را از جابر بن یزید جعفی (متوفای ۱۲۸ هجری) از امام





باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت با اشاره به آیه ۶۰ سوره ی بقره «...فانفجرت منه اثنا عشر عیناً...» از پیامبر نقل فرموده که آن حضرت در پاسخ پرسش عده‌ای از صحابه که از امامان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده‌اند به یازده امام پس از امام علی علیه السلام را یاد کرده‌اند. (همان)

علاوه بر آن، به نقل روایات دیگری که از طرق گوناگون از پیامبر صلی الله علیه و آله (همان: ۳۴۴ و ۳۴۵)، امام علی علیه السلام (همان: ۳۴۷) امام حسن مجتبی علیه السلام (همان: ۳۴۶)، امام باقر و امام صادق علیهما السلام (همان: ۳۴۵، ۳۴۶ و ۳۴۷) رسیده پرداخته است.

۳. دسته‌بندی روایات «اثنا عشر»

از ابتکارات ابن شهر آشوب توجه ویژه به تنوع روایات «اثنا عشر» است. به عبارت دیگر، وی روایات حاوی دوازده امام را از حیث زمان نقل و منقول عنه به چند دسته تقسیم کرده است. وی در فصلی مستقل تحت عنوان «النصوص الواردة علی ساداتنا علیهم السلام» (همان: ۳۴۸ تا ۳۶۲) روایات رسیده در موضوع ائمه اثنا عشر را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است:

الف) روایاتی که مربوط به عصر پیش از حضرت آدم و قبل از خلقت نسل اولیه بشر امروزی وجود داشته است مانند حدیث «میثاق»، حدیث «اصل»، حدیث «الأسماء المکتوبة علی العرش»، حدیث «کلمات» و غیر آن. ابن شهر این احادیث را به تناسب شرح حال ائمه علیهم السلام در بخش‌های دیگر کتاب مناقب آورده است.

ب) دسته دوم روایاتی‌اند که پیش از ظهور اسلام در میان پیروان الهی مانند یهود و نصاری وجود داشته و از طریق آنان نقل شده است. نمونه‌هایی از آن، گزارش طولانی هارونی از پرشبی است که از عمر بن خطاب به عمل آورده است. نیز روایتی که ابن شهر آشوب بی‌واسطه به دوازده امام از نسل

پیامبر اسلام ﷺ مژده داده است. (همان: ۲۴۸) برای تأکید بیشتر، روایت دیگری که شیخ مفید آن را گزارش کرده آورده است. در آن، حدیث حضرت خضر علیه السلام و گفتگویش با امیرمؤمنان علیه السلام و طرح پرسش و شنیدن پاسخ از حضرت امام حسن علیه السلام و سپس اظهار شهادت و گواهی دادن حضرت خضر نسبت به تک تک امامان دوازده گانه آمده است. (همان: ۳۴۸-۳۴۹)

وی سپس روایت کلبی را آورده که با سه واسطه از جارود بن منذر عبدی (متوفای ۲۰ هجری) که در سال صلح حدیبیه از مسیحیت به اسلام گروید و با پیامبر ﷺ گفت و گو داشت و در آن جارود نسبت به دعای کشیشی که در درگاه الهی، دوازده نفر را واسطه قرارداد، گزارش داد و سپس از پیامبر ﷺ از باخبر بودن نام آنان پرسید و آن حضرت با یادآوری آن چه در شب معراج گذشت، نام هر یک از امامان دوازده گانه را ذکر کرد. (همان: ۳۵۱-۳۵۰) ابن شهر آشوب سپس جمع بندی پایانی این موضوع را چنین ارائه داد: از آن جاکه نصوص [و روایات] دال بر امامان بزرگوار و خبر دادن به تعداد آن ها پیش از ولادتشان زیاد است و خداوند آن ها را در کتاب های آسمانی پیشینیان ذکر کرده پیامبران به امت های گذشته اعلام داشته است، همه این ها نشان از این دارد که آنان امامان زمان و حجت های خداوند برای انسان ها و جنیان اند. آنان، [همان] امامان دوازده گانه اند. (همان: ۳۵۱) چنان که ملاحظه شد در این قسمت به روایاتی استناد شد که گزارش گران آن ها، خبر از دوازده امام داده اند. اینک ادامه مطالب را در دسته بندی دیگر روایات ملاحظه خواهیم کرد.

ج) دسته سوم روایاتی اند که از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده اند. روایات منقول از آن حضرت به دو دسته تقسیم می شوند. قسم اول روایاتی اند که «عامه» (اهل سنت) نقل کرده اند و دسته دیگر روایاتی اند که شیعه نقل کرده اند.



۱/ج: حدیث «اثنا عشر» در منابع اهل سنت؛ نکته سنجی و ژرف‌اندیشی ابن شهر آشوب در انتخاب و نقل روایات در این موضوع، ستودنی است. وی تعبیر گوناگون مرتبط با حدیث «اثنا عشر» را از کتب روایی اهل سنت انتخاب کرده است که گزارش آن چنین است:

۱/۱/ج: در صحیح بخاری (۸: ۱۲۷، کتاب الاحکام، باب الاستخلاف، حدیث ۷۲۲۳) روایت جابر بن سمره از پیامبر اکرم ﷺ آمده که آن حضرت فرمود: «یکون اثنا عشر أمیراً». (ابن شهر آشوب، همان: ۳۵۱) خطیب بغدادی هم این حدیث را در تاریخش آورده است.

۱/۲/ج: در صحیح مسلم (۱۴۲۱: ۹۲۵، حدیث ۴۵۹۸) به نقل جابر بن سمره از پیامبر ﷺ چنین آمده: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُتَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً» (ابن شهر آشوب: همان‌جا)

۱/۳/ج: نقل دیگر حدیث در صحیح مسلم (همان: ۹۲۶، حدیث ۴۵۹۹) چنین است: لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِياً مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا. (ابن شهر آشوب، همان: ۳۵۲).

۱/۵/ج: ابن شهر آشوب به نقل از ابوبکر بن ابی شیبه با اسناد دیگر از پیامبر ﷺ نقل نمود: «لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزاً أَلَى اثْنَى عَشَرَ خَلِيفَةً». (همان: ۳۵۲) همین اسناد را مسلم در صحیح آورده است. (صحیح مسلم، ۱۴۲۱: ۹۲۶، حدیث ۱۴۶۰)

۱/۶/ج: گزارش قتیبۀ بن سعید و ابوبکر بن ابی شیبه با سلسله سند به نقل از پیامبر اکرم ﷺ که آن حضرت فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». (ابن شهر آشوب: همان) ابن شهر آشوب می‌افزاید: این حدیث را ابوعلی موصلی در مسند و مسلم هم آن را با «أو يكون ...» آورده است. (همان: ۹۲۶، حدیث ۴۶۰۴)





- ۱/۷ج: مسلم در صحیحش (همان: ۹۲۶، حدیث ۴۶۰۳) شبیه اسناد پیشین سخن پیامبر ﷺ را چنین آورده است: «لا يزال هذا الدين عزيزاً منيعاً إلى اثني عشر خليفة».
- (همان) این حدیث را سجستانی در «السنن» آورده است. (المناقب، همان)
- ۱/۸ج: روایت دیگری را ابوالقاسم با شحام شش واسطه از مسروق نقل می‌کند که وی گفت ما نزد عبدالله بن مسعود بودیم، مردی آمد و از وی پرسید که آیا شما (صحابه) از پیامبر ﷺ در مورد پیشوایان پس از آن حضرت که امور مسلمین را برعهده دارند، پرسش کرده‌اید؟ عبدالله بن مسعود پاسخ داد: از وقتی که وارد عراق شدم تا به حال، کسی چنین پرسشی را از من نپرسیده است. سپس گفت: بله، من از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدم، آن حضرت فرمود: «اثنا عشر مثل نساء بني اسرائيل». (همان) این روایت را گروهی از محدثان همانند: ابن بطه در «الابانة» و احمد در مستدش از ابن مسعود و عده‌ای دیگر هم نقل کرده‌اند.
- (همان: ۳۵۲ و ۳۵۳)
- ۱/۹ج: ابن شهر آشوب به نقل از فراوی با اسناد مختلف از جابر بن سمره نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «يكون بعدى اثنا عشر اميراً» (همان)
- ۱/۱۰ج: به روایت ثوری با اسنادش از پیامبر ﷺ که فرمود: «لا يزال أمر الناس صالحاً حتى يقوم اثنا عشر اميراً من قریش». (همان)
- ۱/۱۱ج: به نقل دیگر از انس از پیامبر ﷺ چنین آمده: «لا يزال هذا الدين قائماً إلى اثني عشر اميراً من قریش، فإذا مضوا ساخت الارض بأهلها». (همان)
- ۱/۱۲ج: و با همین اسناد از جابر بن سمره نقل شد که پیامبر ﷺ فرمود: «يكون بعدى اثني عشر خليفة كلهم من قریش ثم يكون الهرج». (همان)
- ۱/۱۳ج: در روایت دیگری چنین آمده: «لا يزال اهل هذا الدين ينصرون على من ناوهم إلى اثني عشر خليفة كلهم من قریش». (همان)

۱/۱۴ج): در سند دیگری از عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ آمده است: «یا اباطفیل

اعدد اثنی عشر خلیفة بعد النبی ﷺ ثم یكون بعده النقف و النفاق». (همان)

۱/۱۵ج): در سند روایت دیگری از عبدالله بن مسعود آمده که پیامبر ﷺ فرمود:

«یكون بعدی اثنا عشر خلیفة» (همان).

۱/۱۶ج): روایت دیگری به نقل عون بن ابی جحیفه از پدرش، از پیامبر ﷺ که

آن حضرت فرمود: «لا یزال أمر أمتی صالحاً حتی یمضی اثنا عشر خلیفة کلهم من قریش». (همان)

۱/۱۷ج): روایت دیگری از ابوالفرج محمد بن فارس چنین نقل کرده است:

«یكون منا اثنا عشر خلیفة ینصرهم الله علی من ناوهم و لا یضرهم من عاداهم».

(همان: ۳۵۴)

۱/۱۸ج): عبدالله بن محمد بغوی با اسنادش از عبدالله بن عمر نقل می‌کند که

پیامبر ﷺ خطاب به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «یا علیّ انا نذیر امتی، و انت هادیها،

و الحسن قائدها و الحسین سائقها، و علیّ بن الحسین جامعها، و محمد بن علیّ

عارفها، و جعفر بن محمد کاتبها، و موسی بن جعفر محصیها، و علیّ بن موسی

معبرها و منجیها و طارد مبغضیها و مدنی مؤمنیها، و محمد بن علی قائدها و سائقها،

و علی بن محمد سائرها و عالمها، و الحسن بن علی نادیهها و معطیها، و القائم الخلف

ساقیها و ناشدها و شاهدها، «ان فی ذلك لآیات للمؤمنین» [الجاثیه/۳] این حدیث

را گروهی از جابر بن عبدالله از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند. (همان: ۳۵۵)

ویژگی این روایت، آن است که نام تک تک امامان دوازده‌گانه از طریق برخی

راویان اهل سنت آمده است. شبیه این روایت، روایت اعمش از ابواسحاق از

حارث بن سعید بن قیس از علی بن ابیطالب و نیز از جابر انصاری که هر دو از

پیامبر ﷺ نقل کردند. (همان)



۱/۱۹ج): ابن شهر آشوب روایت دیگری را از محمد بن زکریا علانی با سلسله سندش از عبدالله بن عباس نقل می‌کند که عباس بن عبدالمطلب می‌گوید که پیامبر اکرم ﷺ در خطاب به وی فرمود: «یا عم یملک من ولدی اثنا عشر خلیفه ثم یكون امور کرهیه و شدة عظیمة ثم یرج المهدی من ولدی یصلح الله امره فی لیلة فیملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً و یمکث فی الارض ماشاء الله ثم یرج الدجال». (همان).

گرچه در این روایت «اثنا عشر خلیفه» از فرزندان پیامبر شمرده شده‌اند لیکن در صورت صحت روایت، شاید به خاطر تغلیب و یا مسامحه، پسر عموی پیامبر ﷺ در حکم فرزند قلمداد شده است.

۱/۲۰ج): آخرین روایتی که ابن شهر آشوب در دسته روایات منقول از اهل سنت آورده روایتی است که سلسله سند آن به امیر مؤمنان (ع) می‌رسد که از پیامبر ﷺ نقل شده که در خطاب به آن حضرت فرمود: «من سرّه ان یلقى الله عزّوجلّ آمناً مطهراً لا یخزیه الفزع الأكبر فلیتوکل و لیتوکل ابنیک الحسن و الحسین و علیّ بن الحسین و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی ثم المهدی و هو خاتمهم». (همان).

علامه ابن شهر آشوب پس از نقل این روایات از عدم پذیرش آنها توسط مسلمانان غیر شیعه اثنا عشریه که گویا همانند روایات متواترند، تعجب می‌کند و در جمع‌بندی نهایی می‌گوید: با این روایات زیاد، تعداد امامان مشخص شده که هرگاه چنین باشد، امامت آنان ثابت خواهد بود و چون مخالفان این دیدگاه به تعداد کمتر از آن رضایت نمی‌دهند بلکه افراد زیادی را به عنوان امام قلمداد می‌کنند و در میان امت اسلامی جز امامیه، گروهی معتقد به امامان دوازده‌گانه نیستند و از آن‌جا که امامت ائمه اثنا عشر مورد اتفاق فریقین است؛ پس دیدگاه مخالفان امامیه «ائمه اثنا عشر» نادرست خواهد بود. (همان).





د) دسته چهارم از روایات، روایاتی‌اند که از سوی شیعه (امامیه) نقل شده است. این بخش از روایات خود به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱/د): روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق شیعه امامیه مبنی بر «اثمه اثنا عشر» نقل شده است.

۲/د): بخش دیگر نصوصی است که امام پیشین بر امام پس از خودش فرموده است. این دسته از روایات در بخش معرفی هر امام آمده است.

ابن شهر آشوب در بخش روایات نقل شده از طریق روی شیعه اثنا عشریه، خوانندگان را به کتاب «کفایة الأثر فی النصوص علی الأئمة الاثنی عشر» ارجاع داده به اجمال گزارش داده که مرحوم خزاز قمی (علی بن محمد بن علی خزاز رازی قمی) ۲۵۵ روایت را از طرق زیاد از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است. وی اسامی قابل توجهی از صحابه و سپس برخی تابعین را که در سند این روایات قرار دارند، ذکر کرده است. (همان: ۳۵۶-۳۵۸) وی آن‌گاه برای نمونه، بیش از بیست روایت را با ذکر سندهای متنوع و متکثر آورده است که ما به خاطر عدم اطناب و تطویل از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم. (رک. همان: ۳۵۸-۳۶۲). البته بدیهی است که ما برای اثبات «اثمه اثنا عشر» در صدد اقناع رقیب هستیم و گرنه، نزد امامیه اثنا عشریه موضوع منقح و مورد اتفاق است و جای هیچ‌گونه شک و تردیدی در آن نیست.

یادآوری

علامه ابن شهر آشوب در سه فصل پایانی جلد اول کتاب مناقب آل ابیطالب (صفحات ۳۶۳ تا ۳۹۷) به ذکر برخی آیات و روایاتی که در تفسیر یا شأن نزول یا تأویل آن‌ها رسیده است، می‌پردازد و از این طریق بر موضوع «اثنا عشر» تأکید می‌ورزد و نیز با آوردن نکته‌ها و لطایفی از سخنان بزرگان و اشعاری که دانشمندان و شاعران معروف سروده‌اند، اهتمام مضاعف به موضوع را یادآوری

کرده است. علاوه بر آن، اشعار مناجات گونه و توسل به ائمه‌ی اثنا عشر همواره در میان مسلمانان و متفکران اسلامی از مذاهب مختلف وجود داشته که نمونه‌هایی از آن‌ها، پایان بخش مطالب کتاب المناقب است.

۴. استدلال به حدیث «اثنا عشر» بر امامت ائمه علیهم‌السلام

برای اثبات امامت و خلافت هریک از امامان دوازده‌گانه، نصوص فراوانی وجود دارد. ابن شهر آشوب برای اثبات امامت حسین علیه‌السلام به روایت منقول از طرق فریقین از نصّ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم بر امامت ائمه دوازده‌گانه استدلال کرده اظهار داشته که هرکس موضوع امامت اثنا عشر را پذیرفته باشد به امامت حضرت حسن مجتبی و حسین شهید علیهم‌السلام یقین پیدا خواهد کرد. (همان: ۴۱۷)

وی دلیل بر امامت امام زین العابدین علیه‌السلام را «نصّ» دانسته یادآور شد هرگاه مبنای امام بودن، نصّ باشد از طریق نصّ، یقین به امامت آن حضرت به دست می‌آید. (همان، ۴: ۱۴۳)

همین استدلال، در مورد امامت امام باقر علیه‌السلام هم مطرح شده است. (همان: ۲۲۹) و نیز در اثبات امامت امام جعفر صادق علیه‌السلام با توجه به گرایش اندکی از شیعیان به زید بن علی بن الحسین علیه‌السلام که دارای روحیه انقلابی و مبارزه با امویان بوده و با قیامش در کوفه به شهادت رسید به دو اصل در امامت اشاره کرده نتیجه می‌گیرد که زید با همه شایستگی‌هایش، از این دو ویژگی برخوردار نبوده است، یکی عصمت و دیگری نصّ بر امامت است؛ لذا از آن‌جا که دلیل یقینی بر عصمت زید نیست و امامتش از طریق نصّ ائمه پیشین به دست نیامده امامت شیعه به وی نمی‌رسد و برادرزاده‌اش امام شیعیان خواهد بود. علاوه بر آن، امام باید به همه احکام شریعت علم داشته باشد و زید چنین ادعایی نداشته است. (رک همان: ۲۳۵) ضمناً ابن شهر آشوب از کتاب «الانوار» روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در

بشارت به ولادت امام جعفر صادق (ع) و نام گذاری آن حضرت به «الصادق» از سوی پیامبر (ص) نقل می‌کند. (همان: ۲۹۴)

این روایت دلیل دیگر بر نصّ بر امامت امام حضرت صادق (ع) است. شبیه همین استدلال و نیز نقل نصّ امام صادق (ع) بر امامت فرزندش، حضرت موسی کاظم (ع) و نیز نام چهارده تن از راویان مورد وثوق در نقل نصوص بر امامت آن حضرت در بخش سیره‌ی زندگی امام کاظم (ع) آمده است. (همان: ۳۴۶ - ۳۴۷) و نیز ابن شهر آشوب نام یازده نفر از صحابه امام کاظم (ع) که نصّ آن حضرت بر امامت امام رضا (ع) را گزارش کرده‌اند، آورده است. (رک. همان: ۳۹۷)

در موضوع امامت امام محمد تقی (ع) علاوه بر گزارش هشت تن از اصحاب امام رضا (ع) از طریق قطع به عصمت و اعلم بودن آن حضرت و نیز معتبر بودن قول به امامت اثناعشر و تواتر شیعه بر آن، استدلال شده است. (رک. همان: ۴۱۱ - ۴۱۲)

ابن شهر آشوب برای اثبات امامت امام علی النقی (ع) علاوه بر ذکر گزارش اسماعیل بن مهران، ابوجعفر اشعری و خیرانی نسبت به نصّ بر امامت آن حضرت، اجماع امامیه، نصوص و عصمت را ذکر کرده سپس به نصّ پیامبر (ص) بر امامت ائمه اثناعشر و طریق شیعه بر نصوص امامت ائمه (ع) پرداخته است. (همان: ۴۳۴)

شبیه همین استدلال برای اثبات امامت امام حسن عسکری (ع) آورده شده است. (همان: ۴۵۵) و اسامی سیزده نفر از گزارشگران نصّ امام علی النقی (ع) بر امامت امام حسن عسکری (ع) در کتاب مناقب آمده است. (همان: ۴۵۶)



نتیجه

چنان که ملاحظه شد، علامه ابن شهر آشوب برای اثبات امامت پیشوایان دوازده گانه ای که شیعیان به آن ها معتقدند از نصّ بهره گرفته است. دلیل نقلی برای تطبیق و تعیین خلفای پیامبر ﷺ تنها راه مورد اعتماد است. تأکید ابن شهر آشوب بر این موضوع و پژوهش گسترده ی وی ستودنی است. وی برای نشان دادن ابعاد گوناگون موضوع، ضمن آوردن احادیث دالّ بر مصادیق ائمّه اثنا عشر به دسته بندی روایات رسیده پرداخته است. برخی از این گزارش ها به قبل از خلقت حضرت آدم و برخی دیگر به زمان پیامبران پیشین و دسته ی دیگر به بعد از ظهور اسلام برمی گردد. در همه ی این ها، تأکید بر موضوع «اثنا عشر» شده لذا نگاه جامع به آن ها، افاده ی تواتر خواهد کرد و براساس آن به صورت یقینی می توان حدیث اثنا عشر را به عنوان مبنای اعتقادی در مسأله امامت پذیرفت و به اشکالات و شبهات فرقه های غیر شیعه اثنا عشریه پاسخ داد. به نظر می رسد ابن شهر آشوب با طرح گسترده ی موضوع از عهده چنین کاری برآمده است.

پی نوشت

۱. متن روایت چنین است: «أنا واردکم علی الحوض، و أنت یا علی الساقی، و الحسن الرائد، و الحسين الأمر، و علی بن الحسين الفارط و محمد بن علی الناشر، و جعفر بن محمد السائق، و موسی بن جعفر محصی المحبین و المبغضین و قانع المنافقین، و علی بن موسی مزین المؤمنین، و محمد بن علی منزل اهل الجنة فی درجاتهم، و علی بن محمد خطیب شیعتهم و مزوجهم الحور، و الحسن بن علی سراج اهل الجنة یستضيئون به، و الهادی المهدی شفیعهم یوم القيامة حیث لا یأذن الا لمن یشاء و یرضی.»



فهرست منابع

از آن‌جا که محور اصلی مقاله، داده‌های کتاب «مناقب آل ابیطالب» است، از پرداختن به منابع متعدد و متنوع خودداری شده است؛ لذا در ذیل به ذکر مشخصات کتاب مناقب و صحیح مسلم که در متن به آن ارجاع داده شد، اکتفا می‌شود:

- السروی المازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، ۱۴۱۲هـ، مناقب آل ابیطالب، تحقیق و فهرست د. یوسف البقاعی، الطبعة الثانية، بیروت: دارالاضواء
- القشیری النیسابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، ۱۴۲۱هـ، صحیح مسلم، تحقیق صدقی جمیل العطار، الطبعة الاولى، بیروت: دارالفکر

